

افغانستان – سومین جبهه «دولت اسلامی»

قبل از طرح مسایل و موضوعات مورد بحث، بصورت مشخص باید یادآور شد که در این اواخر «دولت اسلامی»، از ایجاد بخش منحصر بفردی که مسوول چگونگی اجرای فعالیتها و عملیات نظامی در افغانستان و پاکستان میباشد، خیرداد، برخلاف ایالات متحده که از ظهور و پیدایش «دولت اسلامی» در افغانستان انکار میورزد، شواهد انکار ناپذیری دال بر موجودیت جنگجویان گروه نامبرده میباشد که از کشورهای سوریه و عراق وارد افغانستان گردیده اند. با استناد از مراجع رسمی دولت افغانستان، میتوان گفت که «دولت اسلامی» نمایندگی خویش را بمنظور استخدام جنگجویان طرفدارش، ایجاد و مبلغین بیشماری را در زمینه بفعالیت گماشته تا جوانان افغان را بیش از پیش بصفوف نو تشکیل جنگجویانش جلب نماید. در سرلوحه اوراق تبلیغاتی تهیه شده توسط گروه یادشده چنین میخوانیم: «ما یا بهدف میرسیم یا باستقبال شهادت میشتابیم».

«دولت اسلامی»، باشندگان افغانستان را به تعهد و وفاداری به ابوبکر بغدادی، بمتابه «خلیفه» فراخوانده است. در این مقطع، از مسأله وحدت و اتحاد داوطلبان و پیوستن بصفوف جهاد و همراهی با «دولت اسلامی» سخنی در میان نمیباشد، چه، تروریستان گروه نامبرده قادر بدان نیستند تا بصورت رویاروی در مبارزه مسلحانه شرکت ورزند.

«دولت اسلامی» در پی آن شد تا پس از عراق و سوریه، سومین جبهه نبردش را در افغانستان بگشاید. اما طالبان در پی آنند تا بمتابه جزء مهم «القاعده» همچنان بفعالیتهایشان ادامه دهند، «دولت اسلامی»، بصورت نمایشی صفوف «القاعده» را ترک نموده و به نسل جدید افغانستان، خونین ترین نحوه مبارزه قدرت را پیشکش میدارد. در جنوب کشور، «دولت اسلامی» در صدد آنست تا در صفوف طالبان شگاف ایجاد نموده و بخشی از آنها را ناگزیر به تبعیت از «دولت» یاد شده نماید.

در هلمند که یکی از جمله بزرگترین ولایت‌های کشور محسوب می‌گردد، نشانه‌هایی از استخدام و ظهور و پیدایش جنگجویان تحت رهبری ملا عبدالروف، یکی از جمله قوماندانان قبلی طالبان که جدیداً از سوریه بکشور عودت نموده، بوضاحت بمشاهده میرسد. ملا عبدالروف پس از هجوم ایالات متحده به افغانستان و سقوط طالبان، بزندان افگنده شد، نامبرده سالهای متمادی را در زندان «گونتانامو» سپری نمود، پس از آنکه توسط امریکایی‌ها از زندان آزاد گردید، بلافاصله به صفوف «دولت اسلامی» در سوریه پیوست. نامبرده متیقن است که میان «طالبان» و «دولت اسلامی» اشتراکات ایدیولوژیکی موجود میباشد، اما موجودیت تفاوتها را نیز نباید در این میان فراموش نمود. بااستثنای امکان وحدت و همبستگی آنها، بصورت کل میتوان ادعا نمود که هدف «دولت اسلامی» اینست تا در صفوف طالبان شکاف ایجاد نموده و بخشی از «طالبان» را تحت امر و قومانده خویش قرار دهد.

ملا عمر، رهبر معنوی طالبها، پس از هجوم امریکا و متحدین به افغانستان (در سال ۲۰۰۱)، کشور را ترک نموده و بصورت فعالی در رهبری «طالبان» سهم نمی‌گیرد. انفعال نامبرده، باعث عدم رضایت بسیاری از «طالبان» گردید که در چنین یک وضعیتی، بسیاری از طالبان به صفوف «دولت اسلامی» پیوستند. برای «دولت اسلامی»، اهمیت پروسه ایجاد مصالحه، صرف آنست تا زمان را کمایی نماید. طبق آمار و احصاییه‌های موجود، «دولت اسلامی» بصورت کامل و تمام عیار آن از نیرو و قدرت برخوردار نمیشود، بناءً، بمنظور تحکیم جای پایش در افغانستان، در صدد آنست تا «طالبان» را همراه با تسلیحات و امکانات پولی آنها در صفوف خویش جا دهد.

در این اواخر، درگیریهای بزرگی میان نیروهای امنیتی و اردوی افغانستان با مخالفان مسلح صورت گرفت. همچنان که تروریستان «داعش»، بیرق سیاه را برافراشته و به اهتزاز درآورده و لباسهای سیاه بتن نمودند، بتعداد خارجیها در صفوف آن نیز افزایش بعمل آمده است. جنگجویان جدیداً استقرار یافته در افغانستان، در صددند تا در تمامی جهات زندگی، اسلام و احکام آنرا بکار گیرند که این خود، در ضدیت کامل با عنعنات موجود در محل قرار می‌گیرد. در جریان درگیریها، به قوای دولتی متأسفانه که تلفات زیادی وارد می‌گردد، همچنان دستجات یاد شده، حملات خویش

را تنها به قرأ و قصبات کشور محدود نمی نمایند، بلکه بیش از همه درصد آن میشوند تا تأسیسات دولتی و محلات مسکونی و بود و باش اهالی را به تصرف خویش درآورند، قابل تذکار میباشد که بسیاری از جهادگرانی که بجرم مبارزه در صفوف «دولت اسلامی» به اسارت قوای دولتی افغانستان درآمده اند، عناصری اند که از پاکستان غرض شرکت در صفوف «دولت اسلامی»، وارد افغانستان گردیده اند.

رهبران طالبان پاکستانی، قبلاً وفاداری شانرا به «دولت اسلامی» اعلام داشته و آمادگی خویش را جهت کمک و معاونت به «دولت» نامبرده، ایجاد خلافت اسلامی و تعیین «خلیفه جهانی» ابراز داشته اند. در اعلامیه «طالبان» که بزبانهای اردو، پشتو و عربی به نشر سپرده شده، در بخشی از آن چنین میخوانیم: «تمامی مسلمانان جهان، امید بزرگی بشما دارند. ما، مبارزان و تمامی امکانات موجود را در دفاع از شما بکار خواهیم بست. ما با شماستیم.» در اینجا سخن از هماهنگی تمامی عملیات نظامی سازمانهای تروریستی فعال در شرق میانه و جنوب آسیا، بخصوص بمنظور سرنگونی حاکمیت سیاسی در افغانستان میباشد. با انجام عملیتهای نظامی اردوی پاکستان علیه «تحریک طالبان پاکستان»، تعداد بیشماری از این جنگجویان در سرزمین افغانستان جابجا شده اند.

تروریستان تا دندان مسلح وارد شده از مناطق غربی پاکستان، بخصوص در مناطق و بخشهای مرکزی و جنوبی افغانستان (عمدتاً در مناطقی که بصورت عملی در آنجاها حاکمیتی به چشم نمیخورد)، فعال میباشند. طالبان پاکستانی بصورت آزادانه، در مناطق مربوط به واحدهای اداری افغانستان، مراکز تربیه، آموزش و تجهیز مخالفان مسلح را ایجاد نموده اند. اینست یکی از نتایج غم انگیز ختم مأموریت سیزده ساله ایالات متحده و «ناتو» که تحت عنوان «آزادی پایدار» از آن تجلیل بعمل آمد.

فعالیتهای بازیگران «دولت اسلامی» به عرصه و بخش مشخص و معین افغانستان محدود نمیگردد. کنون، جنگجویان «دولت اسلامی» پروپاگندها و فعالیتهای تبلیغاتی خویش را در شمال کشور نیز وسعت بخشیده اند. مسوولین بخشهای امنیتی افغانستان در مورد پیدایش جنگجویان «دولت اسلامی» در مناطق مرزی با ترکمنستان و همچنان از انجام فعالیتهای آنها در مناطق همسرحد با تاجیکستان نیز خبر داده اند. طبق اطلاعات

بدست آمده، در ولایت بلخ، قوتهای مردمی تحت نام «مرگ» تشکیل گردیده که هدف عمده خود را مبارزه علیه نیروهای مسلح «دولت اسلامی» اعلام داشته اند. چنین اقدام و تصمیمی در مورد یاد شده در کابل بمثابه ضرورت عاجل کنونی پنداشته میشود. اداره ایالات متحده، شجاعت اعتراف به عدم دستیابی نتایج دلخواه را آنچنان که در سال ۲۰۰۱ در افغانستان در برابرش قرار داده بود، ندارد. تبلیغات وسیع و گسترده ای در مورد مبارزه و نبرد ایالات متحده بر علیه تروریسم، نتیجه معکوس ببار آورد و خطر و تهدیدات تروریستی بیش از پیش فزونی حاصل نمود.

قابل یاد دهانیست که بحران در افغانستان، تحت تأثیر پرسش ترتیب اثر دادن غرب و متحدین به مفهوم دولت کنونی افغانستان قرار گرفت. وزیر دفاع کنونی ایالات متحده، این مسأله را که کشورش، نهایتاً مجبور به فرستادن قوای نظامی در مبارزه علیه نیروهای «دولت اسلامی» در عراق خواهد گردید، استثنأ قرار نمیدهد. جان کیربی، نماینده رسمی پنتاگون اظهار داشت که بمنظور موفقیت علیه «دولت اسلامی» از «سه الی پنج سال» مبارزه دوامدار، لازمی بنظر میرسد. اما در مورد مبارزه علیه «دولت اسلامی» در افغانستان، هنوز هم امریکاییها خاموشی اختیار نموده اند. همچنین تاکنون، هیچگونه اقدامی در جهت ممانعت از نفوذ «رزمندگان جهاد» در افغانستان صورت عملی بخود نگرفته است.